



Volume 1, Issue 4, 2021

Obligation to Compensate the Damage to a Victim in International Criminal Law

Mohsen Aslani¹, Seyed Qasem Zamani^{*2}, Mosoud Raei³

1. Ph.D Student in International Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)

3. Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 109-115

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-7333-658X

TELL: +983142292929

Email: zamani@atu.ac.ir

Article history:

Received: 21 Oct 2021

Revised: 24 Oct 2021

Accepted: 13 Nov 2021

Published online: 22 Dec 2021

Keywords:

Compensation, Victim,
International Criminal Law.

ABSTRACT

Damage compensation is one of the most important tools of criminal justice in international law, which is examined in the present paper from the perspective of jurisprudence and criminal law. This paper is descriptive and analytical and has investigated the mentioned subject employing the library method. The findings of the article show that, in general, the right to effective compensation, the right to be treated with respect and dignity, the right to support and assistance, and the right to request compensation are among the rights that are included in international and regional documents for victims of severe violations of human rights and international humanitarian law. The right to effective compensation includes the right to prosecute and punish people who are responsible for extensive violations of human rights. Indeed, compensating victims in international criminal law faces challenges. The extent of damages and injuries and the large number of victims are among these challenges. Non-cooperation of governments, difficulty in determining the amount of damage and lack of financial resources for compensation are other challenges in this field.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Aslani, M; Zamani, SQ & Raei, M (2021). "Obligation to Compensate the Damage to a Victim in International Criminal Law" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(4): 109-115.



دوره اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

تعهد به جبران خسارت بزه‌دیده در حقوق کیفری بین‌المللی

محسن اصلانی^۱، سید قاسم زمانی^{۲*}، مسعود راعی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استاد، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

جبران خسارت از مهم‌ترین ابزارهای عدالت کیفری در حقوق بین‌الملل است که در این مقاله از منظر فقه و حقوق کیفری مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله پیش‌رو توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است. یافته‌های مقاله بیانگر این امر است که به‌طور کلی حق جبران خسارت مؤثر، حق رفتار شدن بر اساس احترام و کرامت، حق حمایت و مساعدت و حق درخواست غرامت از جمله حقوقی است که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای برای قربانیان نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. حق جبران خسارت مؤثر شامل حق پیگرد و مجازات افرادی است که مسؤول نقض‌های گسترده حقوق بشری می‌باشند. البته جبران خسارت بزه‌دیده در حقوق کیفری بین‌المللی با چالش‌هایی مواجه است. وسعت خسارات و آسیب‌هایی وارده و نیز تعداد زیاد بزه‌دیدگان از جمله این چالش‌ها است. عدم همکاری دولت‌ها، دشواری تعیین میزان خسارت و همچنین کمبود منابع مالی جبران خسارت از دیگر چالش‌ها در این زمینه است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۹-۱۱۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۶۵۸۸X-۷۳۳۳-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۳۱۴۲۲۹۲۹۲۹

ایمیل: zamani@atu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

جبران خسارت، بزه‌دیده، حقوق کیفری بین‌المللی.



مقدمه

اندیشه حمایت از قربانیان یا بزه‌دیدگان، پس از جنگ جهانی دوم تحت عناوین گوناگونی همچون «حق مطالبه ضرر و زیان» در ضمن طرح دعوی کیفری و جبران خسارت بزه‌دیده وارد حقوق موضوعه شد (پرادل، ۱۳۷۰: ۱۴۲-۱۴۴). با توجه به این‌که قربانی، عنصر مهمی در فرآیند دادرسی کیفری می‌باشد، حمایت از قربانیان جرایم بین‌المللی می‌تواند به معنای اتخاذ روش‌ها یا ابزارهای کیفری و غیر کیفری برای اعاده حقوق آن‌ها باشد و از این جهت حمایت از قربانیان جرایم بین‌المللی، در جهت تسهیل دسترسی به این ساختارها، امری ضروری است. بر این اساس، بررسی حقوق بین‌الملل کیفری و راهبردهای آن‌که جهت حمایت از قربانیان جرایم بین‌المللی شکل گرفته‌اند می‌تواند به تبیین کارایی یا عدم کارایی این قواعد بین‌المللی در جهت حمایت از قربانیان جرایم بین‌المللی کمک نماید. تألیفات متعددی در زمینه حمایت از زیان‌دیده و بزه‌دیده در حقوق کیفری بین‌المللی انجام شده است: مهدی حدادی، در مقاله‌ای به بررسی تعهد به جبران خسارت دولت در برابر فرد در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت پرداخته است (حدادی، ۱۳۹۳). عبدالله عابدینی، نیز در مقاله‌ای، موانع جبران خسارت از افراد زیان‌دیده به واسطه نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در پرتو تحولات معاصر حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار داده است (عابدینی، ۱۳۹۷). همچنین مهدی حاتمی و امید اسدی، در مقاله‌ای، خاستگاه حقوق بزه‌دیده در اسلام و ایران در مقایسه با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده است (حاتمی و اسدی، ۱۳۹۸). تعهد به جبران خسارت بزه‌دیده در حقوق کیفری بین‌المللی اما مورد توجه قرار نگرفته و در مقاله حاضر تلاش شده به این موضوع مهم پرداخته شود. سؤالی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که تعهد به جبران خسارت بزه‌دیده چه جایگاهی در حقوق کیفری بین‌المللی داشته و روش‌های جبران خسارت به چه صورت است؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «تعهد به جبران خسارت

زیان‌دیده و بزه‌دیده در حقوق کیفری بین‌المللی پذیرفته شده است و پرداخت غرامت، ترمیم، توان‌بخشی و بازپروری مهم‌ترین روش‌های جبران خسارت بزه‌دیده است».

۱- اسناد بین‌المللی جبران خسارت بزه‌دیده

برخورداری افراد از اصل حاکمیت قانون، مقتضی آن است که هرگاه در اثر نقض قانون خسارتی بر فرد وارد شود، باید به جبران مناسب حقوقی دسترسی داشته باشد. اولین سند بین‌المللی که در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان وجود دارد، کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌بار مصوب ۱۹۸۳ است که در بستر تلاش‌های شورای اروپا به تصویب رسیده است. «این کنوانسیون موضوع حمایت از بزه‌دیدگان را تنها در چارچوب جبران دولتی یا عمومی به تصویر می‌کشد. اگرچه کنوانسیون اروپایی مفهومی نوآورانه یا بازاندیشیده به نام پرداخت غرامت دولتی را می‌شناسد، جبران آثار بزه‌دیدگی را تنها به گونه مادی آن محدود می‌کند» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۹۹).

اساسنامه رم نیز تلاش‌های بسیاری برای جبران خسارت بزه‌دیدگان نموده است. مطابق ماده (۱) ۷۵ اساسنامه رم، «دادگاه اصولی را در ارتباط با جبران خسارت بزه‌دیدگان از جمله اعاده اموال و اعاده اعتبار آن‌ها مقرر خواهد نمود». طبق ماده (۲) ۷۵ «دادگاه اختیار دارد احکامی به نفع بزه‌دیدگان و علیه محکومان برای جبران خسارت صادر کند، اما پیش از آن، دادگاه ممکن است از بزه‌دیدگان و دیگر اشخاص ذی‌نفع، شخص محکوم‌علیه و دولت‌ها در مورد جبران خسارت دعوت به عمل آورد یا دیدگاه‌های آن‌ها را در مورد جبران خسارت أخذ کند». دادگاه می‌تواند دستور دهد که جبران خسارت بزه‌دیدگان از طریق صندوق امانی به نفع بزه‌دیدگان مطابق ماده ۷۹ انجام شود و دستور انتقال پول و اموال دیگری که از طریق دریافت جزای نقدی جمع‌آوری شده است را صادر کند. با متعهد کردن دولت‌ها در تشخیص و کشف اموال، توقیف عایدات، دارایی‌ها و وسایل ارتکاب جرم و همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی برای صدور حکم به جبران خسارت از طرف دادگاه و همچنین انجام اقدام‌هایی برای وصول قیمت و بهای عواید

بزه‌دیدگان به معنای واقعی محقق نخواهد شد. بسیاری از آسیب‌های برآمده از جنایت‌های بین‌المللی، غیرقابل جبران و تغییرناپذیرند. برای نمونه، درد و رنج عاطفی ناشی از تجربه بزه‌دیدگی در مواردی نظیر نسل‌زدایی، با هیچ درمانی بهبود نخواهد یافت. ادعای این گروه مبنی بر عملی نبودن جبران خسارت از تمامی بزه‌دیدگان صحیح است، اما این واقعیت نباید مانع به رسمیت شناختن این حق در عدالت جنایی بین‌المللی گردد. جبران خسارت از قربانیان به معنای واقعی آن، با توجه به محدودیت‌های منابع مالی دیوان، شمار بسیار زیاد بزه‌دیدگان و وسعت و عمق آسیب‌ها امکان‌پذیر نیست، اما این امر نباید مانعی برای هم‌نوا نمودن دولت‌ها به‌منظور تلاش در مسیر یاری‌رساندن به این گروه آسیب‌پذیر شود. جبران همه آسیب‌ها ممکن نیست، اما شماری از صدمه‌ها را می‌توان ترمیم نمود. از این‌رو، می‌بایست تا حد امکان در این راه تلاش کرد تا همه بزه‌دیدگان به فراموشی سپرده نشوند. درنهایت، صرف‌نظر از مخالفت‌های به‌عمل‌آمده، حق بزه‌دیدگان مبنی بر دریافت خسارت در ماده ۷۵ اساسنامه به رسمیت شناخته شد.

همان‌گونه که ماده ۹۴ آیین دادرسی و ادله مقرر داشته است، بزه‌دیدگان به‌منظور برخورداری از جبران خسارت، ملزم به ارائه درخواست کتبی هستند. دیوان پس از بررسی دقیق درخواست‌ها، در مورد جبران خسارت تصمیم‌گیری می‌نماید. احکام و دستورات دیوان در ارتباط با جبران خسارت، می‌بایست تا حد امکان عملی، روشن و دقیق باشد تا اجرای آن‌ها توسط نهادهای دیوان، دادگاه‌های ملی یا سایر نهادهای مربوط در دولت‌های عضو، امکان‌پذیر شود. به‌موجب بند ۲ ماده ۷۵ اساسنامه، دیوان می‌تواند قراری مبنی بر جبران خسارت بزه‌دیدگان، با تعیین نحوه مناسب جبران، به‌طور مستقیم علیه محکوم صادر نماید. در صورت اقتضاء، دیوان می‌تواند دستور دهد که پرداخته‌ای مربوط به جبران خسارت از طریق صندوق امانی بزه‌دیدگان انجام شود. بدین منظور، بر اساس گزارشی که در کنفرانس بازنگری اساسنامه رم ارائه

اموال و دارایی‌هایی که به‌وسیله دادگاه به‌عنوان جزای نقدی حکم داده می‌شود، احتمال موفقیت دادگاه در صدور حکم جبران خسارت بیشتر شده است. با توجه به اساسنامه رم و آیین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی، برای انتقال این اموال به دادگاه، لازم نیست محکومیت، قطعی شده باشد، بلکه شعبه مقدماتی می‌تواند نسبت به توقیف دارایی‌های شخص مظنون بعدازاین که حکم توقیف یا جلب وی صادر شد، اقدام کند (گرکاو، ۲۰۰۳: ۳۹).

ازجمله اسناد عام دیگر در این زمینه کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد است. کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته با دو پروتکل اختیاری خود بر جرم‌انگاری قاچاق زنان و کودکان و پیش‌گیری از آن و مبارزه با قاچاق مهاجران زمینی، دریایی و هوایی از بزه‌دیدگان خاص حمایت نموده است. کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد نیز تحول مهمی را در جرم‌انگاری سوءاستفاده از قدرت اقتصادی ایجاد کرده است (Vlassis, 2004: 11).

با تأکید و تمرکز سازمان‌های غیردولتی بر جبران خسارت از قربانیان در جریان مباحثات ناظر بر پیش‌نویس مقدماتی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در کمیته مقدماتی مجمع عمومی، این موضوع به‌سرعت به یکی از مسائل مهم تحت بررسی تبدیل شد (Fischer, 2003: 195-196). در همین راستا، مخالفت‌هایی مبنی بر عدم توانایی دیوان در پرداخت خسارت به قربانیان و نگرانی‌هایی در مورد تخصیص منابع مالی تأمین‌کننده ابراز گردید. به باور برخی از حقوق‌دانان، مفهوم جبران خسارت بین‌المللی، مفهومی فریبنده و گمراه‌کننده است. زیرا در عمل تحقق آن با موانع بسیاری روبه‌رو است (شبت، ۱۳۸۴: ۱۹۴). در تأیید این عقیده، می‌توان چنین استدلال کرد که هزینه جبران خسارت ناشی از جنایت‌های بین‌المللی بسیار بالا است و دیوان از عهده آن برنمی‌آید. افزون بر آن، در صورتی که دیوان از لحاظ تأمین اعتبارات لازم مشکلی نداشته باشد نیز جبران خسارت از همه

شد، مبلغ یک میلیون یورو از کمک‌های گردآوری‌شده در صندوق امانی برای احکام آتی دیوان مبنی بر پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان و جبران خسارت از آنان ذخیره شده است.

۲- شیوه‌های جبران خسارت بزه‌دیده در حقوق کیفری بین‌المللی

امروزه عموماً پذیرفته شده است که قربانیان جرایم بین‌المللی می‌توانند طلب غرامت کنند. در گزارش نهایی گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۹ مواردی چون دریافت غرامت، ترمیم، رضایت و ضمانت‌هایی مبنی بر عدم تکرار دیده می‌شود (والین، ۱۳۸۵: ۵۶). علاوه بر این، مطابق بند ۲ ماده ۷۵ اساسنامه رم «دیوان نیز به‌منظور جبران خسارت از قربانیان می‌تواند به‌طور مستقیم قراری در راستای حمایت‌های مالی زیر دو عنوان غرامت و ترمیم علیه فرد محکوم صادر نماید». غرامت ناظر بر ترمیم مالی آسیب‌های برآمده از جنایت‌های بین‌المللی است (دیهیم، ۱۳۸۰: ۸۳). هزینه مالی مربوط به صدمه‌ها و آسیب‌های جسمی و روحی، فقدان فرصت‌ها از جمله آموزش، از دست دادن درآمد، مشاوره‌های حقوقی و خدمات درمانی در این دسته جای دارند.

روش دیگر جبران خسارت، ترمیم، توان‌بخشی و بازپروری است. ترمیم به معنای «بازسازی وضعیتی است که پیش از وقوع جنایت‌های بین‌المللی وجود داشته است» (Wemmers, 2006: 17). ترمیم باید به شیوه‌ای صورت پذیرد که تا حد امکان بزه‌دیده را به حالت اولیه پیش از بزه‌دیدگی بازگرداند. توان‌بخشی و بازپروری، شامل خدمات‌رسانی در زمینه‌های پزشکی، روان‌پزشکی، حقوقی و اجتماعی است (Wemmers, 2006: 30). علاوه بر این، یکی از عواملی که در شناسایی پیشگیرانه قربانیان به ویژه قربانیان تعرضات جنسی به‌نظام عدالت کیفری کمک می‌نماید، اطباء و سایر پرسنل پزشکی و مددکاری می‌باشند. کارمندان و کارکنان بخش بهداشت و سلامت باید آماده باشند تا اطلاعاتی که از مشتریان به دست آوردند به سازمان‌هایی که به آن‌ها می‌توانند کمک کنند ارجاع دهند.

اما جبران خسارت بزه‌دیده در حقوق کیفری بین‌المللی با کاستی‌ها و نواقصی مواجه است. در واقع هرچند تلاش‌های بین‌المللی برای بهبود وضعیت بزه‌دیدگان با اعلامیه ۱۹۸۵ به ثمر نشست و باوجود مقررات و تمهیدات ویژه‌ای که دیوان کیفری بین‌المللی برای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان در نظر گرفته است، این دیوان با چالش‌ها و مشکلات متعددی در اجرای حقوق بزه‌دیدگان مواجه می‌باشد. از چالش‌های مهم پیش‌روی دیوان می‌توان به وسعت خسارات و آسیب‌هایی وارده به دنبال ارتکاب جنایات بین‌المللی و همچنین تعداد زیاد بزه‌دیدگان و درخواست‌های مشارکت و جبران خسارت از دیوان اشاره کرد. جرایمی که در حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرند به‌طور معمول دربرگیرنده تعداد زیادی از بزه‌دیدگان می‌باشد و در نتیجه، دیوان را با تعداد گسترده‌ای از مدعیان و مطالبه‌کنندگان مواجه می‌سازد. مسأله تعدد درخواست‌های بزه‌دیدگان و روند رسیدگی به این درخواست‌ها این انتقاد را به دیوان وارد می‌کند که این رویکرد می‌تواند قدرت و توانایی دیوان را در انجام وظایف اصلی خود یعنی پیگرد و مجازات مسؤولین جنایات بین‌المللی تضعیف کند (Zegveld, 2010: 93-100). کمبود منابع مالی از دیگر مشکلات پیش‌روی دیوان محسوب می‌شود. تعدد درخواست‌های جبران خسارت از یک‌طرف و کمبود منابع مالی جبران خسارت و پرداخت غرامت و عدم همکاری دولت‌های عضو برای تأمین منابع مالی از طرف دیگر، دیوان را با مشکل جدی کمبود برای جبران خسارت بزه‌دیدگان روبه‌رو کرده است. چالش دیگر پیش‌روی دیوان، کمبود کارشناسان و متخصصان ویژه حقوق بزه‌دیدگان می‌باشد. دیوان کیفری بین‌المللی یک دادگاه کیفری است و این دیوان کمیسیون حقیقت‌یاب و آستی ملی یا یک‌نهاد حل اختلاف محسوب نمی‌شود (Oven, 2013: 18-19). قضات این دادگاه وظایف مشخصی داشته و وظیفه اصلی آنان رسیدگی به تعداد بی‌شمار درخواست‌های بزه‌دیدگان نمی‌باشد. منابع مالی دیوان نیز امکان رسیدگی به همه درخواست‌ها را برای قضات فراهم نمی‌کند. همچنین، به‌دلیل این که دیوان، اولین دادگاه کیفری

خسارت بزه‌دیدگان. درواقع، اساسنامه دیوان نقش برجسته‌ای برای بزه‌دیدگان و مقرارت ویژه‌ای برای حفاظت از حقوق و جبران خسارت آنان در نظر گرفته است. جبران خسارت، ترمیم، توان‌بخشی و بازپروری از مهم‌ترین روش‌های جبران خسارت بزه‌دیده‌ها در حقوق کیفری بین‌المللی است. بااین‌حال، به‌طور کلی حقوق بین‌الملل کیفری نتوانسته است حمایت کاملی از قربانیان جرایم بین‌المللی به عمل آورد زیرا اسناد بین‌المللی موجود در عمل کارایی لازم را نداشته و مفاد آن‌ها به‌صورت کامل وارد حیطه کاربردی نشده است. تدوین قوانین روشن در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و شیوه احقاق حقوق آن‌ها، صرفاً گام نخست است. قدم بعدی و مؤثر در این جهت، اصول راهبردی و دستورالعمل‌های اجرایی آن قوانین است که تاکنون یا محقق نشده است و یا به‌طور ناقص به اجرا گذاشته شده‌اند.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده نخست به‌عنوان نویسنده اصلی متن و سایر نویسندگان به‌عنوان ناظر علمی عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله، راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اسکندری، عبدالکریم (۱۳۸۷). «راهکارهای حمایت از بزه‌دیدگان در سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌الملل». فصلنامه معرفت، ۱۷(۱۳۴): ۲۱.

بین‌المللی است که در چنین سطح گسترده‌ای به حقوق بزه‌دیدگان رسیدگی می‌کند، این دادگاه نمی‌تواند از تجربه عملی دادگاه‌های پیشین و کارشناسان بهره‌مند شود. سازوکارهای آیین رسیدگی دیوان نیز ابهامات و کمبودهایی را در بردارد که ازجمله می‌توان به‌کلی بودن مواد اساسنامه و مقررات آیین دادرسی در ارتباط با تشخیص ارتباط جنایات ارتکاب یافته با آسیب وارده به قربانی و گردآوری اطلاعات و روند رسیدگی درخواست‌های جبران خسارت و ارجاع این امور به صلاحدید و نظر قضات اشاره کرد (Henzelin & Heiskanen, 2006: 339-340).

با اینکه دیوان، برخوردار از این صلاحیت است که در صورت تشخیص و صلاحدید خود برای رسیدگی و کمک به وضعیت بزه‌دیدگانی که به علت فاصله جغرافیایی یا کمبود منابع مالی توانایی مشارکت در روند دادرسی و حضور در دیوان را ندارند به ارائه تسهیلات و کمک بپردازد، اما بسیاری از بزه‌دیدگان به علت عدم آگاهی از حقوقشان و ناتوانایی از حضور در دادگاه یا برقراری ارتباط با ارگان‌های محل مربوطه، امکان درخواست و پیگیری حقوقشان را ندارند (اسکندری، ۱۳۸۷: ۲۱). موانع سیاسی و عدم تمایل مقامات و مسؤولین جنایات بین‌المللی در اعتراف و پذیرفتن اشتباهات و خطاهای مرتکب شده و درنتیجه به رسمیت نشناختن بزه‌دیدگان و فراهم نکردن جبران خسارت و عدم پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان از دیگر چالش‌های پیش‌روی دیوان محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

در بسیاری از اسناد بین‌المللی، چارچوب‌های کلی برای جبران خسارت و دریافت غرامت بزه‌دیدگان بنانهاده شد و تعهداتی برای پیگرد و مجازات مسؤولان چنین جرایمی مقرر گردیده است. دیوان کیفری بین‌المللی در مسیر حمایت از بزه‌دیدگان و قربانیان جرایم بین‌المللی نیز دارای نوآوری‌های مهمی می‌باشد؛ ازجمله تمهیدات مشارکت ساختاری بزه‌دیدگان و الزامی کردن استماع نظرات آن‌ها در فرآیند و مراحل دادرسی و همچنین ملزم ساختن فرد محکومیت یافته به جبران

- Henzelin, M; Heiskanen, V & Guenael, M (2006). "Reparations to Victims before the international Criminal Court, Lessons from International Mass Claims Processes". *Criminal Law Forum*, 17(3): 317-44.

- Oven, T & Van, B (2013). "Victims Oriented Perspective: Rights and Realities" in: *Victims of international Crimes: An Interdisciplinary Discourse*. Edited by Bonacker and Safferling, Hague: ASSER Press.

- Vlassis, T (2004). *The United Nations convention against corruption: overview of its contents and Future Action*. Japan: Annual Report for 2004 and Resource Material Series No. 66.

- Wemmers, J (2006). "Reparation and the International Criminal Court; Meeting the needs of Victims". 28th ed. Montreal: Report of the workshop.

- Zegveld, L (2010). "Victims' Reparation Claim and International Criminal Court, Incompatible Value". *JICJ*, 8: 93-100.

- حاتمی، مهدی و اسدی، امید (۱۳۹۸). «خاستگاه حقوق بزه‌دیده در اسلام و ایران در مقایسه با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». *مجله مطالعات تطبیقی فقه و اصول*، ۲(۱): ۱۲۳-۱۴۶.

- حدادی، مهدی (۱۳۹۳)، «تعهد به جبران خسارت دولت در برابر فرد در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت». *مجله حقوق خصوصی*، ۱۱(۲۵): ۳۸۳-۳۵۹.

- دیهیم، علیرضا (۱۳۸۰). *درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی (در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). *بزه‌دیده شناسی*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.

- شبت، ویلیام (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی*. ترجمه سید باقر میر عباسی و حمید الهوئی نظری، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

- عابدینی، عبدالله (۱۳۹۷). «موانع جبران خسارت از افراد زیان‌دیده به‌واسطه نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه تحولات معاصر حقوق بین‌الملل». *مجله مطالعات حقوق عمومی*، ۴۸(۳): ۵۸۳-۵۹۸.

- گرکاو، سام (۲۰۰۳). «بزه‌دیدگان در دادگاه کیفری بین‌المللی». *مجله تعالی حقوق*، ۳: ۳۸-۳۹.

- والین، لوک (۱۳۸۵). «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی از حق حمایت تا حق بیان». *نشریه مجله حقوقی*، ۳۴: ۳۳-۵۶.

ب. منابع انگلیسی

- Fischer, P (2003). "The Victims Trust Fund of the International Criminal Court; Formation of A Function Reparations Scheme". *EMORY International Law Review*, 17: 195- 196.